

فقه سیاسی در گفتمان های اطلاعاتی و امنیتی "بر اساس گفتمان اطلاعاتی - امنیتی امام خمینی (ره)"

محمد سلمان تبارسوته^۱، مرتضی علویان^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ایران

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول :

محمد سلمان تبار سوته

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل مهم زیادی در حکومت مطرح گردید که فقه سیاسی لزوماً باید به آنها می‌پرداخت و برای حل مشکلات، سوالها و گره‌ها جواب ارائه می‌نمود. مهمترین تأثیر این تحولات تأثیر در نحوه نگاه فقها به مسائل نو پدید بود و مسائل اتفاق افتاده موجب شد افق‌های جدیدی پیش روی فقها گشوده شود. تخصصی شدن فقه سیاسی و به وجود آمدن شاخه‌های جدیدی مثل فقه امنیت، فقه مصلحت، فقه اطلاعات و ... از جمله نتایج این تحول است.

در مقابل چالش های امنیتی، فقه سیاسی در ارائه راه حل های مناسب عهده دار رسالتی است که تعامل مطلوب میان حوزه تخصصی امنیت و حوزه فقه سیاسی را ارائه نماید. در این خصوص، باید جایگاه و شأن دین و نیز جایگاه و شأن امنیت را بشناسیم تا دچار مشکل نشویم؛ نمی‌توان از اسلام انتظار داشت که در خصوص امنیت، روش و برنامه‌ای ارائه دهد که در آن جزئیات دقیق مسائل امنیتی بیان شده باشد؛ اما اصول و مبانی اسلام به گونه‌ای است که می‌توان از درون آن، روش‌ها را استنباط و استخراج کرد.

بعد از پیروزی انقلاب با عنایت به خاستگاه جدی مردم پیرامون دسترسی ها و اختیارات دستگاه های اطلاعاتی امنیتی و ارزشی دهی انقلابی به این حوزه، سؤالی که در اذهان متبادر می‌شد این بود که خواسته، گفته و عمل مبدع گفتمان انقلاب اسلامی در این خصوص چه بوده است؟ مطالعه بر روی اندیشه‌های ایشان این را نشان می‌دهد که گفتمان امنیتی و اطلاعاتی امام (ره) فقط با محوریت اصلی اسلام معنی می‌یابد. نسبت گفتمانی فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتمان اطلاعاتی امنیتی و حتی دیگر گفتمان‌های امام راحل (ره) فقط در قالب اسلام مکتبی که عناصری همانند ولایت فقیه و انقلاب اسلامی و مردم را به خدمت می‌گیرد؛ معنی می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: فقه اطلاعاتی، گفتمان اطلاعاتی، امام خمینی، لاکلاو، فقه سیاسی

۱- بیان مسئله :

فرآیند امنیتی شدن موضوعات تنها به کنش‌گری آن‌ها بستگی ندارد، بلکه افزون بر آن، مستلزم پذیرش عام از سوی مخاطبان است که در مورد رهبران نظام‌های سیاسی، این مخاطبان، مردم و جوامع ملی هستند. به بیان دیگر، عنوان کنش‌گر امنیتی کننده، در بطن خود مستلزم نوعی مشروعیت این کنش‌گری از سوی مخاطبان نیز هست.

چند خصوصیت حضرت امام خمینی (ره) را از هم عصاره خود متفاوت می‌کند. ایشان در کنار عرفان و فلسفه و فقه فردی سیاستمدار بود که افزون بر نظریه‌پردازی سیاسی به عنوان نظریه‌پرداز فقه سیاسی شیعه در قرن معاصر مطرح می‌سازد. امام خمینی (ره) در مقام بنیان‌گذار نظریه جدید اسلام سیاسی که به مقام ولایت فقیه‌ی نیز رسیده است ایده‌پردازی و ارایه نظریه درباره گفتمان امنیت را در کانون توجه خود قرار داد و بخش مهمی از گفتارهای خود را پیرامون آن صورت‌بندی کرد. در عین حال، گفتارهای ایشان در این باره، تنها جنبه کلامی نداشت و از بار کنش‌گری نیز برخوردار بود. به بیان دیگر، ایشان با گفتار خود، در عین نظریه‌پردازی در خصوص گفتمان امنیت، هم‌زمان کنشی نیز انجام می‌دادند و آن همانا آن به عنوان دستور کار امنیت به شمار می‌رفت. بنابراین امام (ره) به عنوان نوآورنده «گفتمان امنیتی» ج.ا.ا، بنیان‌گذاری نظام جمهوری اسلامی و رهبر آن از این امکان برخوردار بود که در مقام کنش‌گر امنیتی کننده نیز ایفای نقش کند. کنش‌گر امنیتی کننده، در مقام تعریف، شخص یا گروهی است که کنش گفتاری امنیتی را انجام می‌دهد. بازیگرانی که این نقش را به اجرا می‌گذارند، رهبران سیاسی، دیوان‌سالاری‌ها، حکومت‌ها گروه‌های سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ هستند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶، ص: ۸۴).

بیشتر باید خاطر نشان کرد که نگرش به امنیت از منظر تحلیل گفتمان، شایسته نوعی تفکیک میان تحلیل‌گر و نظریه‌پرداز امنیتی و کنش‌گر یا بازیگر امنیتی است. مقام تحلیل‌گر، امنیت را به ترتیبی که می‌بیند تعریف می‌کند و آن را در چارچوب نظری خاصی جای می‌دهد. زیرا تنها از این راه است که می‌تواند درک منسجمی از اقدامات بازیگران یا کنش‌گران امنیتی به دست دهد. گرچه تحلیل‌گران به ناگزیر در پرداختن موضوعات امنیتی نقش دارند، ولی وظیفه اصلی آن‌ها این نیست که تعیین کنند آیا فلان تهدید، معضل امنیتی است یا نه؟ در مقابل، کنش‌گران امنیتی یا امنیتی کننده، در عین حال که می‌توانند نظریه‌پرداز امنیتی نیز باشند، بیشتر برخی موضوعات را به عنوان شکل خاصی از کنش سیاسی (رهبری نظام سیاسی، رهبری جنبش سیاسی یا اجتماعی، رهبری حزب سیاسی و مانند آن)، امنیتی می‌کنند، یعنی مشخص می‌کنند. چه چیزی تهدید امنیتی است، مرجع امنیت کدام است و ابزارهای امنیتی مشروع کدام‌اند؟ در عین حال، کنش‌گرانی که موضوعات را امنیتی می‌کنند، نه لزوماً واژه امنیت را بر زبان می‌آورند.

و نه اگر چنین کنند، همیشه لزوماً کنش امنیتی انجام داده‌اند. از سوی دیگر، فرآیند امنیتی شدن موضوعات تنها به کنش‌گری آن‌ها بستگی ندارد، بلکه افزون بر آن، مستلزم پذیرش عام از سوی مخاطبان است که در مورد رهبران نظام‌های سیاسی، این مخاطبان، مردم و جوامع ملی هستند. به بیان دیگر، عنوان کنش‌گر امنیتی کننده، در بطن خود مستلزم نوعی مشروعیت این کنش‌گری از سوی مخاطبان نیز هست. این مخاطبان می‌توانند دستگاه‌های امنیتی، جوامع سیاسی همچون احزاب، جنبش‌های اجتماعی و عامه مردم باشند. بر این اساس، امام (ره) از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌دهی به نظام جمهوری اسلامی، در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که امنیت مدنظر ج.ا.ا چه نوع امنیتی است؟ و این امنیت در گرو حفظ کدام مرجع است؟ و نسبت اقدامات امنیتی به معنی اقدام و به تعبیر دقیق‌تر اطلاعاتی با چه اصول و شاخصی سنجیده می‌شود؟ عناصر این گفتمان امنیتی با چه مفاهیمی به هم پیوسته و معنی واحدی به نام گفتمان امنیتی اطلاعاتی اسلامی را شکل می‌دهند؟ با توضیحات بالا، این نوشتار به دنبال این پرسش اساسی است که چه نسبتی میان گفتمان اطلاعاتی امنیتی امام (ره) با فقه اطلاعاتی ایشان وجود دارد؟ پاسخ مقدماتی به این پرسش آن است که در گفتمان اطلاعاتی امنیتی امام (ره) اسلام و اسلام مکتبی دال مرکزی اندیشه ایشان را تشکیل می‌دهد و از رهاورد اسلام مکتبی به موضوع انقلاب، حکومت اسلامی، ولایت فقیه و مردم به عنوان زنجیره‌های هم‌ارز نگریسته می‌شود. در این میان فقه به عنوان بخش اصلی دینداری به عنوان محور اصلی رابطه میان این عناصر آن‌ها را به یکدیگر تنظیم می‌کند. نسبت فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتمان امنیتی اطلاعاتی امام (ره) با نگاه ایشان به مقوله اسلام تعریف می‌شود.

۲- ارکان مفهومی بحث

۲-۱- گفتمان:

گفتمان در واقع کلیت ساختاردهی شده‌ای از مفاهیمی است که از عمل مفصل‌بندی مفهوم‌ها حاصل می‌شود، گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و لذا نسبی است (هوارث، ۲۰۰۰: ۱۰۱-۱۰۲). برای مثال تجدد، حقایقی را در درون خود تولید و ایجاد کرده و فهم انسان مدرن از خود و جهان را شکل داده است. حقایق یکسره گفتمانی‌اند و بنابراین حقیقتی مطلق و فراگفتمانی وجود ندارد. لاکلاو و موفه به جای طرح کردن بحث عین و ذهن تمایز میان بازنمایی‌های ذهنی و فعالیت‌های عملی موضوعات و رفتارها را گفتمانی می‌دانند. پس برای این که اشیاء و فعالیت‌های قابل فهم باشند، باید به عنوان جزیی از یک چهارچوب گسترده‌تر مورد تحلیل قرار گیرند (منوچهری، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۶). به عبارت دیگر، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته کسب می‌کند. همان‌گونه که هوارث می‌نویسد:

برداشتی که لاکلاو و موفه از گفتمان دارند، مؤید خصوصیت رابطه‌ای هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به آن بافت کلی که اینها خود بخشی از آن‌ها هستند، می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد، باید شناخت (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

بر این اساس نوعی نسبی‌گرایی در این نظریه وجود دارد هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به دیگر پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد، بلکه هویت هر چیز در شبکه هویت‌های دیگری از هم شاید بی‌مفهوم باشند وقتی در کنار هم در غالب یک گفتمان گرد می‌آیند هویت نوینی را کسب می‌کنند. ربط این عناصر به یکدیگر، از راه مفصل‌بندی میسر می‌شود.

۲-۲- مفصل‌بندی:

عبارت است از گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آن‌ها در هویتی نو (هوارث، ۱۳۷۷، ص: ۱۶۳). هر عمل که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود، مفصل‌بندی نامیده می‌شود. معانی بعضی از نشانه‌ها به واسطه مفصل‌بندی گاه آنچنان رایج و مرسوم می‌شود که در نظر ما کاملاً طبیعی جلوه می‌کند. از دیدگاه لاکلاو و موفه، تعریف مفصل‌بندی و گفتمان به هم وابسته است:

ما هر عملی که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساختمان حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم (لاکلاو و همکار، ۱۹۸۵، ص: ۱۰۵).

برای مثال گفتمان لیبرالیسم مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، آزادی و فردی و عقل‌گرایی را با هم مفصل‌بندی می‌کند. یا برای مثال گفتمان اطلاعاتی حضرت امام خمینی (ره) مفاهیمی همانند اسلام، حکومت اسلامی، ولایت فقیه، مردم، شرع را به هم مفصل‌بندی می‌کند.

۳-۲- دال مرکزی:

هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها پیرامون آن نظم می‌گیرند. نیروی جاذبه این هسته دیگر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند و سامان می‌دهد. مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، درباره یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا کنند. دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که در آن معنا، نشانه به حالت انجماد درآمده است، ولی دال شناور به حالتی دلالت می‌کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا شناور و معلق است (منوچهری، ۱۳۹۲، ص: ۱۰۸).

۴-۲- هژمونی:

هویتی که در یک گفتمان به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود، تنها با مفصل‌بندی درون یک صورت‌بندی هژمونیک بدست می‌آید (منوچهری، ۱۳۹۲: ۸۲). این مفهوم توسط گرامشی به عنوان یک فرآیند سیاسی که عناصر مختلف را مفصل‌بندی می‌کند و هویت‌ها را شکل می‌دهد، وارد اندیشه گفتمانی شد. براساس این اندیشه در واقع هویت‌های فردی و جمعی و انسجام آن‌ها محصول هژمونی بود نه پیامد قوانین عینی و ضروری (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰۱). لاکلاو و موفه از راه بسط این مفهوم به این نتیجه می‌رسند که فرآیند هژمونی و صورت‌بندی‌های هژمونیک موقتی‌اند و هیچ ثبات و عینیتی ندارند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰۸-۲۰۹).

۵-۲- گفتمان اطلاعاتی امنیتی:

گفتمان امنیتی آن دسته از نظام باورها، پیام‌ها و معانی است که از مفهوم امنیت با نگاه اطلاعاتی القاء یا بر اذهان خطوط می‌کند. در این نوشتار، منظور مجموعه اقدامات امنیتی دستگاه‌های امنیتی اعم از اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی است.

۶-۲- فقه اطلاعاتی:

فقه در لغت به معنی فهم دقیق و عمیق است (ابن اثیر، ج ۳: ۴۵۶) در معنی مصطلح آن احکام عملی را شامل می‌شود. این معنی در امور اطلاعاتی و امنیتی به معنی بایدها و نبایدهای شرعی و احکام عملی در امور اقدامات اطلاعاتی امنیتی را شامل می‌شود. بر این اساس فقه اطلاعاتی یکی از اجزاء و عرصه‌های فقه حکومتی است و دایره‌ی شمول و گستره‌ی آن کلیه امور اطلاعاتی و امنیتی کشور در همه سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی بوده و تمام عرصه‌ها و زوایای کاری آن را در برمی‌گیرد و شامل احکام فرعی اولیه و احکام ثانویه و حکومتی است (طالبی، ۱۳۹۴: ۸۷-۱۲۲).

۷-۲- تمهیدات نظری:

نظریه تحلیل گفتمان؛ رهیافتی برای تحلیل نسبت فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتمان اطلاعاتی امنیتی ایشان همان‌گونه که در سطور پیشین این بدان اشاره شد، گفتمان در معنای دیسکورس^(۱)، به منزله نظام بیانی یا گروه خاصی از گزاره‌های کلامی مرتبط و وسیع است که رساننده معنا، پیام و اندیشه‌ای برای القا و انتقال شیوه خاصی از تفکر، سبک ویژه‌ای از زندگی و نوع منحصر به فردی از گفتار و رفتار باشد. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها پویایی زبانی هستند که کارکردهای اجتماعی، شناخت‌شناسی، خطاب‌های و غیره یک گروه را بازتاب می‌دهند و هم زمان از قدرت تحمیل این کارکردها در گروه نیز برخوردارند (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۵۳۶). بی‌تردید، مهم‌ترین نظریه‌پرداز معاصر گفتمان میشل فوکوست. دیدگاه وی درباره مفهوم گفتمان را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

«نظام‌هایی از اندیشه‌ها، متشکل از ایده‌ها، رویکردها، فرآیندهای عملی، باورها و پراتیک‌ها که به گونه‌ای منتظم، سوژه‌ها و جهانی را که از آن سخن می‌گویند، می‌سازند» (میلز، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

فوکو در پژوهش‌های تحلیلی - تاریخی خود از آسایشگاه روانی، حکومت، مدرسه و زندان، نشان می‌دهد که چگونه شکل‌بندی‌های خاصی از گفتمان در ایجاد انواع جدیدی از سوژه نقش داشته‌اند. از همین منظر است که گفتمان‌ها با فناوری‌های قدرت مرتبط می‌شوند. به بیان دیگر، گفتمان ابزاری است که روابط قدرت از طریق آن سوژه‌های سخنگو را می‌آفرینند. نظریه گفتمان فوکو، بخشی از دیرینه‌شناسی او بود. او در مطالعات دیرینه‌شناسانه خود به دنبال قواعدی رفت که تعیین می‌کردند کدام گزاره‌ها در یک دوره تاریخی خاص به منزله گزاره‌های معنادار و صادق پذیرفته می‌شوند. (یورگنسن و همکار، ۱۳۹۱: ۳۵). بر این اساس، تحلیل گفتمان نیز نوعی نظریه و یا در حقیقت، روش است که با بررسی و واکاوی نظام‌های معنایی و چارچوب‌های بیانی می‌کوشد انگیزه‌های پنهان در پشت هر متن یا هر روش تفسیر متن را آشکار سازد و از این حیث، نوعی روش ساختارزدایی به شمار می‌آید که بی‌آنکه در جستجوی یافتن پاسخی قطعی برای هر مسئله باشد، نشان می‌دهد که پاسخ به نوعی، به مفروضات مسئله وابسته است (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۲۰۲). در بررسی رویکردهای مختلف در نظریه تحلیل گفتمان، به جز رویکرد فوکویی، رویکردهای بسیاری وجود دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه گفتمان ارنست لاکو و شانتال موفه، تحلیل گفتمان انتقادی و...، اشاره کرد. مهم‌ترین نظریه‌پرداز تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف است که مدون‌ترین نظریه‌ها را در این حوزه ارائه کرده است. در عین حال، آنچه مورد نیاز و مدنظر مقاله حاضر است، نحوه کاربست این نظریه‌ها و روش‌ها در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، یا به عبارت بهتر، کاربست آن‌ها در تحلیل نظام‌های بیانی و چارچوب‌های کلامی حضرت امام (ره) است. برای این منظور، ابتدا می‌بایست نقاط مشترک این رویکردها را در تحلیل و تبیین گفتمان‌های مختلف استخراج نمود و سپس آن‌ها را به گزاره‌ها و ابزارهایی برای تحلیل گفتمان‌های مختلف تبدیل نمود. در خصوص بایسته نخست باید گفت:

الف) نقطه عزیمت تمامی این رویکردها این است که شیوه سخن گفتن ما درباره جهان هویت‌ها و روابط اجتماعی، آن‌ها را به شکل خنثی بازتاب نمی‌دهد، بلکه نقشی فعال در ایجاد آن‌ها و تغییرشان دارد. به بیان دیگر، زبان و واژگان به کار رفته در آن، نقش مهمی در پیشبرد پروژه‌های سیاسی ایفا می‌کند و کنش‌گران سیاسی - اجتماعی، بخشی از پروژه خود را از طریق انتخاب نوع کلمات و جمله‌ها و چینش آن‌ها و یا طرد و کنارگذاری دیگر واژگان و جمله‌بندی‌ها محقق کرده و به پیش می‌برند. این نقطه عزیمت بیش از هر چیز ریشه در نظریه جین آستین درباره تفکیک گفتار به دو گونه اصلی دارد. آستین در کتاب مشهور خود با «عنوان چگونه چیزها را با کلمات انجام دهیم؟»^۲ میان دو نوع عمل یا کنش گفتاری، یعنی کنش گفتاری اجرایی و کنش گفتاری مشاهده‌ای قائل به تفاوت و تفکیک شد. اولی، عملی را انجام می‌دهد مثل نامیدن یک خانه، اما دومی بیان صرف امر واقع است، مثل این که «این خانه بزرگ است». اعمال مشاهده‌ای پذیرای صدق و کذب‌اند، اما اعمال اجرایی، تنها می‌توانند عملی شوند یا نشوند و از این رو، موفقیت آن‌ها تنها وابسته به شرایط است، یعنی به چارچوب اجتماعی پیرامونی که بر درستی یا مناسبت حاکم است (رشیدیان، ۱۳۹۳، ص: ۲۰۱).

ب) رویکردهای گفته شده، مفروضات کلیدی مشترکی درباره نحوه نگاه به هستی‌هایی همچون «زبان» و «سوژه» دارند. گفتمان نقش اساسی در سوژه ساختن ما و نیز ساختن ابژه‌هایی دارد که می‌توانیم چیزهایی درباره آن‌ها بدانیم. دلیل این امر، بیش از هر چیز پیوند قدرت و دانش یا پیوند قدرت و گفتمان است. تمامی این رویکردها، با مفروض گرفتن این رابطه، این سؤال پژوهشی را طرح می‌کنند که جهان اجتماعی، از جمله ابژه‌ها و سوژه‌های آن، چگونه در گفتمان ساخته می‌شوند؟ پاسخ مشخص برای این پرسش، فرآیند صدا زدن یا فراخواندن است. در واقع، یکی از کارکردهای گفتمان، فراخواندن است. از این راه است که گفتمان‌ها افراد را به سوژه تبدیل می‌کنند. گفتمان‌ها با تثبیت معانی برای واژه‌ها، افراد را فرامی‌خوانند که متناسب با این معانی، مسئولیت‌های خاصی را برعهده گیرند و آن‌ها نیز متناسب با موقعیت و میزان مقاومتشان، در این چارچوب جای می‌گیرند و وضعیت سوژه بودن را می‌پذیرند. البته رویکردهای مختلف به نظریه تحلیل گفتمان، هر یک درجات مختلفی از

«آزادی عمل» را برای سوژه درون گفتمان‌ها قائل‌اند، به این معنا که مواضعشان در بحث ساختار - کارگزار با یکدیگر تفاوت دارند.

پ) هدف مشترک همه این رویکردها به نظریه تحلیل گفتمان، پژوهش انتقادی است؛ یعنی کندوکاو و تجزیه و تحلیل مناسبات قدرت در جامعه و صورت‌بندی دیدگاه‌های هنجاری‌ای که از منظر آن بتوان با نیم‌نگاهی به امکان تغییر اجتماعی، این روابط را نقد کرد (یورگنسن و همکار، ۱۳۹۱: ۱۹) و چنانکه گفتیم، انگیزه‌های پنهان در پشت هر متن یا هر روش تفسیر متن را آشکار ساخت.

ت) از منظر پساساخت‌گرایانه، گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا بر می‌سازد و چون زبان به نحوی بنیادین بی‌ثبات است، معنا به هیچ‌وجه نمی‌تواند ثابت بماند. به بیان دیگر، هر دالی می‌تواند به مدلول‌های بسیاری ارجاع یا دلالت کند (از نظر سوسور). از این رو، یکی از کارکردهای گفتمان، تثبیت معناها یا رابطه دال‌ها و مدلول‌هاست؛ فرآیندی که هیچ‌گاه کاملاً محقق و موفق نمی‌شود و در نتیجه، هیچ گفتمانی بسته نیست، بلکه به واسطه تماس با سایر گفتمان‌ها، دستخوش تغییر می‌شود. نورمن فرکلاف برای تشریح این وضعیت از واژه میان‌متنیت، یعنی نحوه اقتباس یک گفتمان از مؤلفه‌ها و گفتمان‌های سایر متون استفاده کرد (فرکلاف، ۱۳۷۹).

ث) گفتمان‌ها میل به هژمون شدن دارند. به بیان دیگر، آن‌ها همواره می‌خواهند معناهای زبان را به روش مورد نظرشان تثبیت کنند. به همین دلیل کشمکش گفتمانی، یکی از واژه‌های کلیدی در نظریه لاکلاو و موفه است. به این معنا، گفتمان را تثبیت معنا درون یک قلمرو خاص تعریف کرده‌اند که از راه هژمونی ممکن می‌شود. فرآیندهای استیلاجویانه یا هژمونی‌طلب از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرند. گره‌گاه یا نقطه گرهی، نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند. دیگر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ می‌کنند.

ج) گفتمان از راه مفصل‌بندی یا چارچوب‌بندی شکل می‌گیرد. به بیان لاکلاو و موفه:

«ما مفصل‌بندی را هرگونه عملی به شمار خواهیم آورد که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند، به نحوی که هویتشان در نتیجه عمل مفصل‌بندی دستخوش تغییر می‌شود. آن کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان خواهیم خواند. مواضع مبتنی بر تفاوت را تا زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند، «بعد» خواهیم نامید. در مقابل، هر مقاومتی که به شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد، عنصر نام خواهیم نهاد» (یورگنسن و همکار، ۱۳۹۱: ۵۶).

بر این اساس، گفتمان، کلیتی است که در آن، هر نشانه‌ای در قالب یک بعد و به واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها تثبیت شده است. این عمل از طریق طرد و کنارگذاری تمامی دیگر معناهایی که نشانه می‌توانست داشته باشد، انجام می‌گیرد. به این ترتیب، گفتمان عبارت است از تقلیل حالت‌های ممکن. گفتمان تلاشی است برای ممانعت از لغزش نشانه‌ها از جایگاهشان نسبت به یکدیگر و در نتیجه، خلق نظام واحد معنایی. بر این اساس، در مقام بررسی نسبت گفتمانی فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتمان اطلاعاتی امنیتی امام (ره)، می‌بایست به این پرسش‌ها پاسخ گفت: یک؛ امام خمینی (ره)، گفتمان خود را در ضدیت و غیریت با کدام گفتمان، بر ساخته است؟ دو؛ گفتمان اطلاعاتی امنیتی امام خمینی (ره) از مفصل‌بندی کدام نشانه‌ها، عناصر و ابعاد شکل گرفته و بر ساخته شده است؟ سه؛ نقطه گرهی یا گره‌گاه گفتمان امنیتی امام خمینی (ره) با فقه اطلاعاتی ایشان که همه دیگر نشانه‌ها را به هم پیوند داده و نظم می‌بخشد، کدام است؟ چهار؛ آیا فقه اطلاعاتی حضرت امام خمینی (ره) در خدمت گفتمان امنیتی امام (ره) قرار گرفته است؟

هر مکتبی از زاویه و نظام معنایی خاص خود به پدیده‌های ذهنی یا ذهنی عینی، معنا می‌بخشد. از همین روست که ما با ادیان، مذاهب، مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف سروکار داریم. مفهوم امنیت نزد هر نظریه‌پرداز یا مکتبی، برآیند فهم آن‌ها از عناصر زیر است:

۱. ارزش‌های حیاتی و فلسفه آفرینش؛

۲. آگاهی از داشته‌ها و محرومیت‌ها؛

۳. آگاهی از تهدیدات و نقاط ضعف؛

۴. آگاهی از فرصت‌ها و نقاط قوت (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۶۵-۹۷)؛

در تعاریفی که از امنیت ارایه می‌شود، یکی از معیارهای اساسی، حفظ و ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. یعنی در هر نگرشی به امنیت، مسئله ارزش‌های حیاتی طرح می‌شود. انسان با توجه به ارزش‌های موجود در زندگی خود و امکان تهدید یا تأمین آن‌ها، موضع خود را نسبت به پدیده‌ها مشخص می‌کند. امنیت در معنای عینی، فقدان تهدیدها علیه ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌سازد (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۶۸).

گفتمان امنیتی، با ارایه تعریفی از امنیت و ناامنی، خود را معرفی می‌کنند و چند متغیر یا عنصر مرکزی و پیرامونی در آن‌ها وجود دارد که کم و زیاد شدن یا جا به جایی این عناصر در مکاتب مختلف، متفاوت است. گفتمان امنیتی سعی دارد از یک سو، با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی خاص خود، چیستی، چرایی و برای چه کسی یا چه چیزی بودن امنیت را تبیین نماید و از سوی دیگر، عوامل مخل، تهدیدها، آسیب‌ها و چالش‌های امنیتی را معرفی کند. در پاسخ گویی به نکات مزبور، هر مکتبی، گفتمانی و حتی هر کنش‌گری می‌بایست مواضع و دیدگاه خود در مورد برخی مقولات کلیدی امنیت همانند موضوع امنیت، مرجع امنیت، سطح تحلیل امنیتی، اهداف امنیتی، مسئولیت‌های امنیتی، مرزهای امنیتی، مزایای امنیتی، تهدیدها و آسیب‌های امنیتی را تبیین کند (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۸۰).

موضوع و مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی (ره) و به تبع آن جمهوری اسلامی، در پایه نخست، متوجه اسلام است. به بیان ایشان: ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است. حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خونها در انجام آن ریخته شود (۱۳۸۱: ۶۷). و در جایی دیگر می‌فرمایند: حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. ایشان در وصیت‌نامه خود، چنین می‌نویسند: آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است. بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.

از همین دریچه بود که امام، حفظ نظام را از اوجب واجبات می‌دانستند. در واقع، در چارچوب برداشت امام، چون جمهوری اسلامی در جهان کنونی تنها نظامی است که در پی تحقق و گسترش اسلام مکتبی می‌باشد، حفظ آن به اعظم فرائض تبدیل می‌شود به بیان ایشان: اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا ابد مگر در زمان حضور حضرت نتواند سرش را بلند کند (صحیفه نور، ج ۱۳: ۹۵). از این رو: حفظ اسلام یک فریضه اساسی در گفتمان امنیتی اطلاعاتی امام است. اسلام موضوع و مرجع امنیت و تعیین کننده مرجع، حدود مرزهای امنیتی و سطحی تحلیل امنیت است. به تبع این نگاه به امنیت با مفهوم اطلاعاتی آن صادق است.

۳- مرجع امنیت در گفتمان اطلاعاتی امام (ره): تأملی معرفت‌شناسانه

مرجع امنیت از جمله ارکان تحلیلی مفهوم امنیت در مکاتب و رهیافت‌های نظری مختلف است که در پاسخ به امنیت برای چه کسی؟ یا امنیت برای چه چیزی شکل می‌گیرد و نقطه عزیمت بسیاری از مطالعات امنیتی است. مرجع امنیت آن چیزی است که کنش‌گران امنیتی کننده آن را بسان مرجعی که در معرض تهدیدات وجودی است و برای آن باید به تمهیدات اضطراری متوسل می‌شوند تعریف شده است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۰). سؤال مزبور شامل چیزهایی می‌شود که در معرض تهدیدات وجودی هستند (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۶۷). به بیان دیگر، موضوعاتی یا اهدافی که برای حفظ آن‌ها بدیهی است می‌توان به تدابیر اضطراری متوسل شد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۹). مرجع امنیت نامید و تدابیر اضطراری اقداماتی است که ورای رویه‌های معمول و عادی سیاسی برای حل و فصل مسایل قرار دارد و عمدتاً با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها همراه است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹). در مقام توضیح باید خاطرنشان کرد تاکنون سه پژوهش مستقل دیگر در خصوص چیستی مرجع امنیت در آراء بنیان‌گذار ج.ا.ا انجام شده است که در راستای پیشینه تحقیق قابل اشاره است.

پژوهش نخست، مقاله‌ای است با عنوان "شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام (ره)" نویسنده این مقاله معتقد هستند در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)، مرجع جامعه با لحاظ دو مؤلفه برجسته آن یعنی اسلام و مردم، بر مراجع دیگر، اولویت و اصالت می‌یابند. به بیان دیگر، مرجع امنیت در رویکرد امام خمینی (ره)، جامعه محور است، زیرا به نظر امام (ره)، بدون رضایت‌مندی مردم و پشتیبانی آنان از حکومت و دولت، ارکان امنیت ملی نااستوار باقی می‌مانند (کرمی مله، ۱۳۸۴: ۷۶۵).

مقاله دوم به قلم فرزاد پورسعید نگاشته شده است وی فرضیه مقاله نخست را رد کرده و معتقد است امام خمینی (ره)، در مقام دولت‌سازی اسلامی در جامعه ایرانی بوده‌اند و از این رو، جامعه نیز در مقام پایگاه اجتماعی دولت اسلامی در نظریه امنیتی ایشان اصالت می‌یافت نه مرجع امنیت است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۹).

مقاله سوم به مقاله‌ای با عنوان "فقه اطلاعاتی و گفتمان اطلاعاتی - امنیتی" توسط اصغر زبرجدی تهیه گردیده است ایشان معتقد است مرجع امنیت از منظر حضرت امام دارای سه کانون اصلی است، به گونه‌ای که در تعامل با همدیگر یک کل را تشکیل می‌دهد و در شرایط زمانی و مکانی مختلف، هر یک از کانون‌ها، امنیت چه کسی تأمین شود، امنیت، خود را به عنوان پاسخ‌دهنده به سه پرسش اساسی، یعنی معرفی می‌کند. از سوی چه کسی تولید شود و چه کسی امنیت را تعریف می‌کند. (زبرجدی، ۱۳۹۵)

کتابی به نام «نظریه امنیت ج.ا.ا» که به همت سیامک ره‌پیک و با همکاری جمعی از محققین به نگارش درآمده که در یکی از فصول آن به بررسی «مرجع امنیت در ج.ا.ا» یافته است (ره‌پیک، ۱۳۸۷). مطابق فرضیه پژوهش یادشده، مرجع امنیت در ج.ا.ا مذهب محور و یا در واقع، اسلام محور است و اصل اسلام مرکزیت این مرجع را تشکیل می‌دهد و نظام اسلامی و جامعه اسلامی، به تبع آن اهمیت و اصالت می‌یابند. در نقد این فرضیه باید خاطر نشان کرد که مذاهب و چارچوب‌های ایدئولوژیک، بیشتر غایات و اهداف امنیت را شکل می‌دهند. به بیان دیگر، در پاسخ به پرسش امنیت برای کدام ارزش؟ یا کدام غایت؟ معنا می‌یابند و از این رو، از مرجع امنیت تفکیک داده می‌شوند.

امام ذات اقدس الهی را مرجع اصلی و ذاتی در تعریف و تبیین امنیت می‌دانند که عینیت آن در اسلام و جمهوری اسلامی تبلور می‌یابد که هم از جهت وضع و شرح امنیت و هم از جهت حفظ باید در کانون توجهات قرار داشته باشد و از آن نگهداری شود. بنابراین، گرچه مرجع اصلی امنیت در حکومتی که مبتنی بر دین است، کلام خدا و روایات وارده پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است، ولی به معنای عینی می‌توان مرجع امنیت را در حفظ اسلام مکتبی، ایده حکومت (جمهوری اسلامی)، نهادها

(ولایت مطلقه فقیه، قوای سه گانه، روحانیت و سایر...) و پایگاه اجتماعی (مردم، گروه‌ها، جریان‌ها، مستضعفان و پابرهنگان داخلی و خارجی) با محوریت اسلام ناب تعریف کرد. الان جمهوری اسلامی یعنی اسلام (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۱۲). ما باید به مَرّ اسلام عمل کنیم (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۶۵). مسئله حفظ جمهوری اسلامی... از اهم واجبات عقلی و شرعی است (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۱۶). در جایی دیگر فرمودند:

فقه‌ها حصون اسلامند، یعنی مکلفانند اسلام را حفظ کنند و زمینه‌ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و ما مکلف هستیم (صحیفه امام ج ۱۹: ۶۹). اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا یا طاغوت، یا خداست یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است. اطاعت او، اطاعت طاغوت است. وارد شدن به حوزه‌ی او، وارد شدن در حوزه‌ی طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می‌رود، که به امر خدای تبارک و تعالی، یک کسی نصب بشود... ولایت فقیه، تبع اسلام است (صحیفه نور ج ۹: ۲۵۳).

اهم واجبات است و از واجبات مطلق می‌باشد اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات است. حتی از نماز و روزه واجب‌تر است (ولایت فقیه، ۱۳۸۱: ۶۷). و می‌فرمایند: اگر این جمهوری اسلامی از بین برود اسلام آن چنان منزوی خواهد شد که تا ابد نتواند سرش را بلند کند، مگر در زمان حضور حضرت» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۶۹).

آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده، حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی مردم ایران پیدا نمی‌شود (صحیفه امام، ج ۱۷: ۷۳). همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت پشتیبان است، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۵۳). هم تکلیف شرعی‌تان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را... ما وقتی مردم را داریم اسلام داریم و رضا داریم و رضای خدا را داریم همه چیز داریم (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۵۳). اسلام مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت دارد و از هیچ نکته... که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است در پایان این بخش می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که اصول و مبانی مکتب امنیتی امام (ره)، یک کل به هم پیوسته است نگاه امام خمینی به مفهوم امنیت موسع و چند بعدی است. بنابراین، برخلاف بسیاری از دیگر مکاتب امنیتی، امام (ره) امنیت را دالی پر مایه می‌پندارد که دامنه موضوعیت آن از نفس انسان و تضاد جنود شیطانی با رحمانی آغاز و مصادیق دیگر آن تا عینیات اجتماعی و به ویژه، روابط میان بازیگران نظام بین‌الملل بسط پیدا می‌کند. این گستردگی موضوعیت است که تمامی جنبه‌های مادی و معنوی را دربر می‌گیرد (کریمی مله، ۱۳۹۰).

ارتباط این بحث با پرسش اصلی مقاله در این نکته است که تا زمانی که نتوان شناخت دقیقی از مؤلفه‌ها معرفت‌شناختی اندیشه امام (ره) ارائه گردد نمی‌توان مدعی شد که به نسبت فقه اطلاعاتی ایشان با مقوله امنیت و اطلاعات نزدیک شده‌ایم. آنچه تاکنون می‌توان به نسبت این گفتمان با فقه اطلاعاتی ایشان دریافت آن است که مقوله اسلام و دین با نگاه فقهی و با نگاه عرفان ایشان در ارتباط مستقیم است. نمی‌توان نتیجه را بدون تعیین نسبت آن با دین مبین اسلام و مکتب اسلام نتیجه‌گیری کرد. نتیجه صریح‌تر آن است که هیچ کار اطلاعاتی بدون رعایت حدود شرعی و فقه عملی عبث و کم‌مایه است. البته در ادامه اشاره خواهد شد که شاخص‌های این فقه مبتنی بر چه عناصری است.

۴- گرانیکاه‌های گفتمانی اطلاعاتی امنیت در دیدگاه امام: زنجیرهای هم‌ارز

۴-۱- مکتب اسلام؛ حوزه گفتمانی گفتمان امنیتی اطلاعاتی امام خمینی (ره)

در پرداخت مبنایی و شناخت‌شناسانه به هسته و عنصر اصلی گفتمان امنیتی اطلاعاتی در بخش پیشین نوشتار، به این مقوله اشاره شده که موضوع اصلی در گفتمان امنیتی اطلاعاتی حضرت امام (ره) موضوع اسلام است. ولی باید به یک نکته مهم و شاید نکته تمایزی در اندیشه امام (ره) اشاره کرد و آن نکته این که موضوع امنیت در اندیشه امام تنها مفهوم اسلام به معنی رایج نیست، بلکه نگاه ایشان در اصل مکتب اسلام و یا نگاه مکتبی به اسلام است. و باید مقوله امنیت را در نگاه مکتبی به اسلام جست‌وجو کرد. منظور از مکتب در این تلقی، نوعی صورت‌بندی بینشی است که شیوه توزیع قدرت و ثروت، جان و آبروی را در جامعه تعیین و شاخص‌گذاری و توضیح می‌دهد. مفهوم مکتب ناظر بر جنبه‌های الهی و متمایز کننده از مفهوم ایدئولوژی است که اغلب در توجیه افکار عمومی استفاده می‌شود و به عنوان رهاورد اندیشه انسان مدرن مطرح است. از سوی دیگر واژه مکتب در کنش گفتاری و گفتمانی امام (ره) واژه‌ای پر کاربرد است که می‌تواند در فهم نسبت «فقه اطلاعاتی» و «گفتمان اطلاعاتی امنیتی» در ج.ا.ا. مساعدت کند. امام خمینی (ره) در بیاناتی می‌فرمایند: «... اسلام... مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت دارد و از هیچ نکته... که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۶۵).

از نظر امام مکتب اسلام دارای ویژگی‌هایی فرانهادی و فراگفتمانی و جهان‌شمول بوده که راه سعادت بشر را نشان می‌دهد و به نوعی در کنار این خصوصیت‌ها اسلام نوعی سبک زندگی متعالی است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۴).

امام خمینی (ره) معتقدند همین اسلام مکتبی است که تشکیل نهاد اطلاعاتی را واجب کرده است. ایشان می‌فرمایند: «امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد. هر کس خوب‌تر است باید در این امر شرکت کند. اسلام ما را موظف می‌کند در امر دخالت کنیم...»^۴ کشور اسلامی است و باید به موازین اسلامی، عمل شود (صحیفه نور، ج ۱۰: ۲۶۸). تمام ارگانهای دولتی، بر طبق قوانین اسلامی، عمل کنند (صحیفه نور، ج ۱۶: ۸۸). در ادامه بایسته است به عناصر این گفتمان از منظر مکتب امنیتی اسلام پرداخت و از زاویه مؤلفه‌های آن حوزه گفتمانی گفتمان امنیتی امام را مورد فحص و تأمل قرار داد تا شاید بتوان به عناصر مفصل‌بندی این گفتمان در اندیشه امام دسترسی یافت. مکتب اسلام یکی از صریح‌ترین و پرکاربردترین معانی و واژه مبنایی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در گفتمان امنیتی امام است که مبنای قرآنی و روایی دارد. امام خمینی به عنوان فقیه دین‌شناسی و مجتهد جامع الشرایط، بنابر آیات الهی قرآن مبنی بر اسوه و الگو بودن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، تمام تلاش و همت خود را در پیروی از سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مبذول می‌کند و از اساس به لحاظ محتوایی و روشی خارج از این منابع جمله‌ای جاری نکرده و به عنوان کنشگر رفتار هم نکرده است. از نظر ایشان امنیت الهی، منبع تمام آرامش‌ها و امنیت‌هاست. امنیت در تمام ابعاد، مبتنی بر تحصیل ایمان به خداست و این امنیت موجب سعادت و ایمنی انسان از شقاوت به شمار می‌رود. امام (ره) که پرورش یافته چنین مکتبی است، بارها بر اهمیت ایمان به خدا و قدرت لایزال الهی تصریح و تأکید می‌فرمودند و منبع و سرچشمه آرامش را ایمان به خدا می‌دانستند. از همین روست که امام راحل، دنیاخواهی را عامل ناامنی و وارستگی از دنیا را عامل آرامش و طمأنینه قلبی می‌دانند: "آنچه مایه نجات انسانها و آرامش قلوب است وارستگی و گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی حاصل شود" (صحیفه امام، ج ۱۸: ۵۱۱).

بنابر آنچه گفته شد، سطح تحلیل امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره) مبتنی بر مکتب اسلام، گستره‌ای است که از فرد آغاز و به اجتماع و کشور و امت و سپس، کل جهان سرایت می‌کند و ناامنی نیز در فرآیندی مشابه و با وسوسه‌های شیطانی آغاز و

سایرین را هدف می‌گیرد. از همین روست که منبع و منشاء امنیت در دیدگاه امام، جهان‌شمول می‌شود و حتی فراتر از جامعه اسلامی و جهان از هر دین و ملت و نژاد را تحت پوشش قرار می‌دهد و خود را مسئول دفاع از آنان در برابر تهاجم و ناامنی آفرینی دشمنان و مستکبران و ظالمان می‌داند.

۲-۴- ولایت فقیه؛ نمود نهادی دولت اسلامی به عنوان دال مرکزی

با بررسی کنش گفتاری امام خمینی (ره) و نظریات ایشان می‌توان دریافت که مراد از حفظ «ولایت فقیه» نظام در نهایت، حفظ نمود نهادی دولت اسلامی، یعنی است. امام، در کتاب «حکومت اسلامی» خود در باب حکومت اسلامی، پس از گفتن دلایل در اثبات لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، بی‌درنگ به ویژگی‌های حاکم این حکومت و اختیارات آن یعنی ولایت فقیه پرداخته‌اند. در واقع، روش معمول در چنین مباحثی را که در آغاز به منبع قدرت، ملاک مشروعیت دولت، شکل حکومت و ساختار کلی و تشکیلات لازم پرداخته و سپس ضمن اشاره به نهادهای مهم دولت، به نهاد رهبری می‌پردازند، اعمال نکرده‌اند (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۶۷).

به بیان دیگر، ولایت فقیه را مظهر تام نهادی حکومت اسلامی دانسته‌اند. ایشان در البیع می‌نویسد: "باقی ماندن این احکام مقتضی ضرورت حکومت و ولایتی است که والایی قوانین الهی را حفظ کند و متکفل اجرای آن گردد. از آن گذشته، حفظ نظام از واجبات مؤکد است و این واجب جز با وجود والی و حکومت به انجام نخواهد رسید" (بی‌تا، ج ۲: ۴۶۱).

بر این اساس، فقیه جامع الشرایط که به عنوان رهبر منتخب جامعه است، ضامن اسلامی بودن نظام و خروجی‌های آن در ابعاد داخلی و خارجی است که به طبع آن را از راه سازمان تقنینی - اجرایی خود ایفا می‌کند. در این چارچوب، آنچه مبنای فهم و برداشت از اسلام و موازین و احکام آن قرار می‌گیرد، تلقی ولی فقیه یا فقهای منصوب ایشان است. در عین حال که این تلقی می‌بایست در چارچوب برداشت مکتبی از اسلام تعریف شود.

۳-۴- مردم؛ پایگاه اجتماعی دولت اسلامی

ضلع سوم مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی نیز مبتنی بر تلقی و برداشت خاص از مفهوم مردم است. در واقع، مطابق بینش امام، تمامی آحاد جامعه از حقوق شهروندی و حق تشکیل حکومت برخوردارند و کلیت جمهوری اسلامی و در حقیقت، دولت اسلامی می‌بایست تابع آراء ملت باشد. البته، این تلقی نیز به نظر امام، نوعی بینش دینی است: "ما بنای این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم" (صحیفه نور، ج ۱۱: ۳۴).

بر این اساس، بقا و استمرار جمهوری اسلامی بدون حضور و بقاء مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد و از این رو، مردم در مقام پایگاه اجتماعی یا چنانکه بوزان می‌گوید، پایگاه فیزیکی دولت (اسلامی) در چارچوب مرجع امنیت، اصالت می‌یابند. به بیان امام (ره): "هم تکلیف شرعیتان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را... ما وقتی مردم را داریم، اسلام داریم و رضای خدا را داریم، همه چیز را داریم بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد" (صحیفه نور، ج ۱۷: ۲۵۳). این مردم‌اند که این جمهوری را به اینجا رساندند و این مردم‌اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر (صحیفه نور، ج ۱۱: ۳۶).

مکتب اسلام منظور از مکتب در این تلقی، نوعی صورت‌بندی بینشی است که شیوه توزیع قدرت و ثروت، جان و آبروی را در جامعه تعیین و شاخص‌گذاری و توضیح می‌دهد. مفهوم مکتب ناظر بر جنبه‌های الهی و متمایز کننده از مفهوم ایدئولوژی است که بیشتر در توجیه افکار عمومی استفاده می‌شود و به عنوان رهاورد اندیشه انسان مدرن مطرح است. از سوی دیگر، واژه مکتب در کنش گفتاری و گفتمانی امام خمینی (ره) واژه‌ای پر کاربرد است که می‌تواند در فهم نسبت «اطلاعات» و «فقه» در ج.ا.ا کمک کند. امام خمینی (ره) در بیاناتی می‌فرماید: «...اسلام... مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظرت دارد و از هیچ نکته... که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۶۵).

از نظر امام مکتب اسلام دارای ویژگی‌هایی فرانهادی و فراگفتمانی و جهان‌شمول بوده که راه سعادت بشر را نشان می‌دهد و به نوعی در کنار این خصوصیت‌ها اسلام نوعی سبک زندگی متعالی است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۴). امام خمینی (ره) معتقدند همین اسلام مکتبی است که تشکیل نهاد اطلاعاتی را واجب کرده است. ایشان می‌فرمایند: «امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد. هر کس خوب‌تر است باید در این امر شرکت کند. اسلام ما را موظف می‌کند در امر دخالت کنیم...» (دیدار با وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۶۳/۱۲/۱۹).

اهمیت این مفهوم در کنش گفتاری رهبر انقلاب (مد ظله العالی) به حدی است که از تفهم آن، نظریه تمدن اسلامی و سبک زندگی استخراج می‌شود. ایشان در بیانات خود اهمیت حضور در سازمان اطلاعاتی را در نظام اسلامی با واژه «حسنه برجسته» تعبیر کردند. نشانه‌یابی مفهوم و واژه حسنه در شبکه معنایی واژگان و گفتمان اسلامی برداشت و روایت کاملاً دینی از یک مفهوم است، ایشان فرمودند: «شما برادران عزیز که حقاً و انصافاً این مسئولیت عظیم را بر دوش گرفتید؛ قبول این مسئولیت، ادای این مسئولیت، یکی از برجسته‌ترین حسناتی است که انسان در نظام اسلامی می‌تواند به جا بیاورد و آن را تقدیم کند. اجر زیادی هم به خاطر همین سختی‌اش است.» (دیدار با مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

برای درک و فهم بنیادین نسبت فقه و اطلاعات لازم است رابطه آن‌ها در چارچوب ساختار معنایی اسلام مکتبی مدنظر ولایت تحلیل و تفهم شود.

۵- ارکان تحلیلی بحث

۵-۱- نسبت «فقه اطلاعاتی» و «گفتمان امنیتی اطلاعاتی امام (ره)» بر پایه ولایت فقیه به عنوان نهاد دولت اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی

انقلاب، تحول سیاسی است طی آن تعداد بی‌شماری از مردم با گذشتن از تمایلات فردی وارد عرصه عمومی و جمعی شده و با هدف متحول کردن اجتماع و جهان‌شان پا به عرصه فعالیت عمومی می‌گذارند. تحول کلیدواژه این گزاره است که می‌تواند توضیح دهنده انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) باشد. با نگاه گفتمانی در بیانات بنیان‌گذار فقید ج.ا.ا دو تحول اثرگذار بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی را اینگونه می‌توان دسته‌بندی کرد: تحول نخست در درون مردم و دوم تحولی که انقلاب اسلامی را پس تحول مردم ممکن ساخت. به بیان امام خمینی (ره): «... تحولی که ملت ما در ظرف مدت کمی پیدا کرد، یک نحو تحول معجزه‌آسا که یک روز از پاسبان حساب می‌برد، بازار بزرگ ما از پاسبان حساب می‌بردند. یک روز از شخص اول مملکت حساب نبردند... یک روز هم در خیابان‌ها ریختند و گفتند مرگ بر این! همچو متحولی شد. کی این کار را کرد؟...» (صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۶: ۳۳۱).

«... شما ملاحظه کردید که این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تغییری بود، تحولی بود که در نفوس پیدا شد... این طور شد و خدای تبارک و تعالی و شما ظالم را بیرون کردید» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۳۶).

تعبیر تحول دارای یک نکته مهم معناشناختی و وجودشناختی است که درک آن بیش از پیش به فهم نسبت تفهیمی و گفتمانی فقه و اطلاعات از دیدگاه امام (ره) کمک می‌کند. تسری این تحول از درون فرد و در نهایت در اجتماع و تشکیل نهادهای انقلابی و تغییر در رفتار و قوانین سکولاریستی متشکل از این افراد و اجتماع، شکل‌گیری سازمانی با ویژگی‌های تحولی انقلابی، اسلامی مبتنی بر احکام شرعی را نوید می‌دهد. بنابراین در تحلیل نسبت «اطلاعات» و «فقه اطلاعاتی امنیتی» در ج.ا. از دیدگاه ولایت می‌بایست به نگاه انقلابی و شبکه معنایی شکل گرفته از این گفتمان توجه کرد. به گونه‌ای که با این مختصات معنایی به عنوان شاخص کنش گفتاری و نسبت گفتمانی به صورت ویژگی برای نهادهای اطلاعاتی در می‌یابیم نمی‌توان روابط فقه اطلاعاتی و گفتمان اطلاعاتی امنیتی را در نظام ج.ا. بدون فهم نسبت آن‌ها با انقلاب اسلامی به عنوان تحول عظیم سیاسی در کشور تحلیل کرد. ولایت فقیه نهادی برآمده از انقلاب اسلامی است و بدون فهم نسبت انقلاب با ولایت فقیه هم نمی‌توان رابطه میان دستگاه اطلاعاتی اسلامی به عنوان یکی از ساختارهای متأثر از انقلاب اسلامی را با ولی فقیه به عنوان کارگزار تبیین کرد. جمله معروفی از امام (ره) در خصوص آنکه «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به این مملکت نرسد» مبین همین نسبت است و از سوی دیگر امام (ره) می‌فرمایند: "اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خداست یا طاغوت. یا خداست یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیرمشروع است. وقتی غیرمشروع شد، طاغوت است. اطاعت او، اطاعت طاغوت است. وارد شدن به حوزه‌ی او، وارد شدن در حوزه‌ی طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می‌رود، که به امر خدای تبارک و تعالی، یک کسی نصب بشود... ولایت فقیه، تبع اسلام است" (صحیفه نور، ج ۹: ۲۵۳).

با کمال جدّ و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم... از فقه سنتی که بیان‌گر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت است، چه احکام اولیه و چه احکام ثانویه، که هر دو مکتب فقه اسلامی (اند)، ذره‌ای منحرف نشوند... ضرورات کشور... گاهی با احکام ثانویه و گاهی بولایت فقیه، باید اجراء شود (وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی امام (ره)).

۲-۵- نسبت «فقه اطلاعاتی» و «گفتمان امنیتی اطلاعاتی امام (ره)» با گفتمان اسلام مکتبی برآمده از انقلاب اسلامی؛

منظور از مکتب در این تلقی، نوعی صورت‌بندی بینشی است که شیوه توزیع قدرت و ثروت، جان و آبروی را در جامعه تعیین و شاخص‌گذاری و توضیح می‌دهد. مفهوم مکتب ناظر بر جنبه‌های الهی و متمایز کننده از مفهوم ایدئولوژی است که اغلب در توجیه افکار عمومی استفاده می‌شود و به عنوان رهاورد اندیشه انسان مدرن مطرح است. از سوی دیگر واژه مکتب در کنش گفتاری و گفتمانی امام (ره) واژه‌ای پرکاربرد است که می‌تواند در فهم نسبت «فقه اطلاعاتی» و «گفتمان اطلاعاتی امنیتی» در ج.ا. کمک کند، امام (ره) در بیاناتی می‌فرمایند: «...اسلام... مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته... که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۶۵).

از نظر امام مکتب اسلام دارای ویژگی‌هایی فرانهادی و فراگفتمانی و جهان‌شمول بوده که راه سعادت بشر را نشان می‌دهد و به نوعی در کنار این خصوصیت‌ها اسلام نوعی سبک زندگی متعالی است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۴). امام (ره) معتقدند همین اسلام مکتبی است که تشکیل نهاد اطلاعاتی را واجب کرده است. ایشان می‌فرمایند: «امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد.

هر کس خوبتر است باید در این امر شرکت کند. اسلام ما را موظف می‌کند در امر دخالت کنیم...» (دیدار با وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات، ۱۹/۱۲/۱۳۶۳).

اهمیت این مفهوم در کنش گفتاری امام (ره) به حدی است که نمی‌توان اقدام اطلاعاتی و امنیتی را بدون فهم اسلام مکتبی و الزامات آن تحلیل کرد. برای درک و فهم بنیادین نسبت فقه اطلاعاتی و گفتمان اطلاعاتی امنیتی لازم است رابطه آن‌ها در چارچوب ساختار معنایی اسلام مکتبی مدنظر ولایت تحلیل و تفهیم شود.

۳-۵- نسبت «فقه اطلاعاتی» و «گفتمان اطلاعاتی امام (ره)» با مردم به عنوان نماد اجتماع

موضوعی که در نسبت گفتمانی «اطلاعات» و «فقه» از منظر امام (ره) قابل دریافت است؛ نگاه عرفانی و فقهی است. در چارچوب فهم این نسبت، اسلامی بودن به معنی شرعی و معنوی بودن دال متعالی است که تمام دلالت‌کننده‌های مختلف حتی نسبت «اطلاعات» و «فقه» را معنی کرده و فهم‌پذیر می‌کند. به بیان عینی‌تر شرع اسلامی و معنویات دینی در تفهیم اندیشه‌های امام (ره) شأن‌فرانهادی و فراگفتمانی دارد.

در کنش گفتاری امام (ره) و توصیه‌های فراوان به شرعی بودن اقدامات و لزوم خودسازی فردی و توجهات معنوی کارکنان اطلاعاتی می‌تواند تفسیری دقیق از جنبه‌ها و نسبت فقه به معنی تشرع؛ و اطلاعات را به عنوان یک سازه مفهومی و معنایی در اندیشه و گفتمان امام (ره) را ارائه نماید. می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که در اندیشه این رهبر بزرگ اقدام اطلاعاتی و امنیتی بدون توجه به فقه اسلامی شیعی؛ به مثابه فساد، هوای نفس، احساس قدرت و گناه امری مذموم بوده و اطلاعات را به دوری از این برداشت توصیه کرده‌اند.

امام (ره) خطاب مسؤلان وزارت اطلاعات فرمودند: «شما باید خداوند را حاضر و ناظر بدانید... شما باید خیلی مواظبت کنید. البته همه باید مواظبت کنند، ولی از آنجا که شما کار حساسی در دستتان است باید مواظبت بیشتری داشته باشید...» (دیدار با وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات ۱۹/۱۲/۱۳۶۳). «فرق است بین سرباز گمنامی که قدرت‌های مادی دنیا به آن فخر می‌فروشند و بین سربازان گمنامی که پرورده اسلام و مکتب توحید است، که انگیزه آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستمکاری و انگیزه اینان خدا و طلب حق است.» (بیانات به مناسبت دستگیری سران حزب توده، ۱۴/۲/۱۳۶۲).

رهبر انقلاب (مد ظله العالی) به عنوان شاگرد خلف ایشان و به تأسی از ایشان در بیانات خود مکرر توجه ویژه به این گفتمان اشاره کردند و شاید به جرأت می‌توان گفت که کنش گفتاری ایشان در این بخش قابل دسته‌بندی باشد. ایشان می‌فرمایند: «اتصال هرچه بیشتر مجموعه اطلاعاتی به لحاظ روحی، قلبی، روانی با حضرت احدیت و مبدأ آفرینش و هستی با نصیحت، با رفتار، با عملکرد خودتان، با تذکر، با جلوگیری و مقابله با گناه.» (در دیدار با مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

«همه باید مواظبت کنند ولی از آنجا که شما (مأموران وزارت اطلاعات) کار حساسی در دستتان است باید مواظبت بیشتری داشته باشید باید به قلبتان برسانید که هر کاری انجام می‌دهید در محضر خداست» (در دیدار با مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

در کنار توصیه‌های مکرر امام (ره) در خصوص تقویت معنویت در کنش گفتاری و ادبیات گفتمانی آنان، توجه ویژه به رعایت موازین شرعی به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی تفهیمی کنش گفتاری مطرح است. به گونه‌ای که می‌توان به فهم نسبت «اطلاعات» و «فقه» معنی دهد. به این معنی که هر آنچه در مفهوم «اقدامات اطلاعاتی امنیتی» و «فقه اطلاعاتی» خارج از دایره شمول شرع باشد محل تردید و بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد.

امام خمینی (ره) فرمودند: «انسان در هر موردی باید روی موازین شرعی عمل کند و کار صواب انجام دهد.» (دیدار با وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات ۱۳۶۳/۱۲/۱۹).

ایشان در بیانات دیگر فرمودند: «بنده بارها به وزارت اطلاعات گفته‌ام الان هم می‌گویم از هیچ عمل خلاف شرع و خلاف قانونی در داخل وزارت اطلاعات دفاع نمی‌کنم و نخواهم کرد» (دیدار با مدیران وزارت اطلاعات ۱۳۷۸).

۶- نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران ثمره سال‌ها هم‌خواهی اسلام‌خواهی مردم ایران و از سویی شیعیان جهان بوده است، انقلابی که ریشه در باورها و خواسته‌های اصیل خاموش شده ملت ایران به قدمت تاریخ اسلام داشت. یکی از اصلی‌ترین این مطالبات عمل براساس شرع و فقه اصیل اسلامی - بسان عدالتی که سالیان دراز وعده داده شده بود - بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی نهادهای اسلامی و انقلابی شکل گرفتند و این عرصه محک عملی برای ج.ا.ا و گفتمان آن بود تا جدیت و کوشش عملی آن را برای عمل کردن بر اساس موازین شرعی سنجید.

یکی از عرصه‌های واقعی و جدی خواسته‌ها، حوزه دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی بود که با توجه دسترسی‌ها و اختیارات می‌بایست براساس ارزش‌های انقلابی عمل می‌نمود. سؤالی که در اذهان متبادر می‌شد این بود که خواسته، گفته و عمل مبدع گفتمان انقلاب اسلامی در این خصوص چه بوده است؟ چه نسبتی میان خواسته‌ها و گفته‌های ایشان از دستگاه اطلاعاتی مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی و به تعبیری دقیق‌تر گفتمان اسلام مکتبی ایشان وجود دارد؟ مطالعه بر روی اندیشه‌های ایشان این را نشان می‌دهد که گفتمان امنیتی و اطلاعاتی امام (ره) فقط با محوریت اصلی اسلام معنی می‌یابد. البته از دیدگاه ایشان هر اسلامی که امروزه از آن استفاده می‌شود و یا تعبیر به اسلام می‌شود منظور نظر نیست بلکه اسلام مکتبی که توان ایجاد تحول و انقلاب را در ملت‌ها دارد به عنوان دال مرکزی مطرح است. و از رهاورد این منزل اصلی است که زنجیره‌های هم‌ارزی همانند انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و مردم معنی می‌یابند.

پس می‌توان نتیجه گرفت نسبت گفتمانی فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتمان اطلاعاتی امنیتی و حتی دیگر گفتمان‌های امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) فقط در قالب اسلام مکتبی که عناصری همانند ولایت فقیه و انقلاب اسلامی و مردم را به خدمت می‌گیرد؛ معنی می‌یابد. به طبع در اسلام مکتبی به جز شرع و عمل به احکام شرعی ارزش محوری وجود ندارد و حدود این شرع با ولی فقیه با هدف حفظ اسلام، مردم و انقلاب میسر می‌شود. در گفتمان امنیتی امام (ره) شرع به عنوان یکی از کارکردهای مهم دین مسئول تنظیم رابطه میان مردم، انقلاب و آخرت است.

پی‌نوشت‌ها:

1. discourse
1. How to do things with words?

منابع :

- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، مرجع امنیت در کنش گفتاری امام (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۴.
- در ادوارد ای. آذر و چونگ؛ (۱۳۸۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس: مشکل امنیت ملی در جهان سوم».
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳)، فرهنگ پسامدرن، تهران: نی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۱)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- این مون، امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)؛ مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷) در نظریه امنیت ج.ا.ا، تهران: «مفهوم و اجزای یک نظریه امنیتی»، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- طالبی علی نقی، فتحی صادق (۱۳۹۴)، اطلاعات و شرع و قانون از منظر ولایت، مجموعه مقالات اولین همایش اطلاعات و ولایت جلد سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده اطلاعات.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ویور، الی و دوویدل، پاپ (۱۳۸۶)؛ چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی کریمی مله، علی، «شناسایی مرجع امنیتی در رویکرد امنیت ملی امام (ره)» فصلنامه مطالعات راهبردی (۱۳۸۴)، سال هشتم، شماره ۳۰.
- صحیفه نور، تمام مجلدات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- لک زایی، نجف (۱۳۸۵)، «اصول رهیافت امنیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن کریم»؛ (سایت اینترنت).
- امیرخانی، کاوه (۱۳۹۰)، مکتب امنیتی امام (ره) سال چهاردهم شماره چهارم مسلسل ۵۴.
- میلز، سارا (۱۳۸۹)، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، تهران: مرکز.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۲)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه‌های جلیلی، تهران: نی.
- زبرجدی، اصغر (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه اطلاعاتی جلد دوم (اطلاعات و قواعد فقهی؛ مباحث نظری)، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، چاپ اول.